

زیاد غمگین مباش (زیرا) آنچه مقدّر است می‌شود

و آنچه روزی تو است، می‌رسد

(این همان اعتقاد به قضا و قدر الهی است)

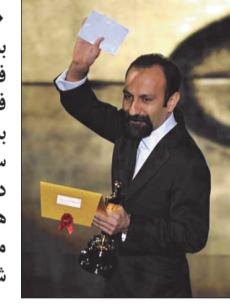
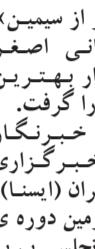
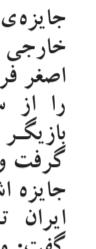
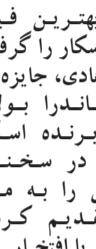
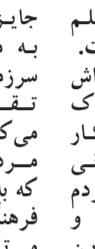
نهج الفضاحه، ترجمه علی اکبر هیرزائی، چاپ هفتم، حدیث ۴۵۳



روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ورزشی طلاع
 صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: محمد مهدی جعفری زاده
 شماره استاندارد بین المللی روزنامه طلاع (شایعه): ۸۰۰۲ - ۵۸۷۳-۸۰۰۲
 حساب چاری سپهر ۰۱۰۴۵۸۳۷۰۰۱ - پانز صادرات شعبه سه راه بهار به نام روزنامه طلاع
 خیابان اقبال (تاری) - نش بار اقبال - مجتمع وز - طبقه اول
 شیواز (کازرون) خ دمگاه - پایین تراز سه راه دانشسرخ - تلفن: ۰۷۲۱ - ۰۷۲۲۹۲۴۶
 چاپ و صفحه آرایی: روزنامه طلاع
 شمارگان: ۰۰۰/۰۰۰ نسخه

سینما ایران و افتخاری دیگر

«جدایی نادر از سیمین» اسکار را گرفت



تقدیر عزت الله انتظامی از زاله علو

روسانده بود در جمله دیگری اظهار کرد: ما زیاد خوش اخلاق نیستیم و سر هم کلاه خاطرنشان کرد: در لاهه زار که کار می کردیم می گذاریم. کافی است، ۲۰ دقیقه رانده گشته بیشترین اصرار فرهادی، جایزه را اش تقدیم نمی کنم. یک روز خسرو گفت: «بهمن جان، ما هر دو عاشق فوتیل بودیم و سالهای سال باهم فوتیل بازی می کردیم. لطفاً وقتی بهمن رفتی، یک جوری به من خبر بوده که در آن جا هم می شود فوتیل بازی کرد یا نه». بهمن گفت: «خسرو جان، تو بهترین دوست زندگی من هستی. مطمئن باش اگر امکانش بود حتماً بهمن خبر می دهم. چند روز بعد بهمن از دنیا رفت. یک شب، نیمه های شب، خسرو با صدای از خواب پرید. یک شیء نورانی چشمکن را دید که نام او را صدای می زد: خسرو، خسرو.... خسرو گفت: که؟ من، بهمن. تو بهمن نیستی، بهمن مرد! باور کن من خوب هستم... تو الان کجا باید؟ بهمن گفت: اول خبرهای خوب را بخو. یک خبر بد برات دارم. خسرو گفت: اولین که در بهشت! و چند خبر خوب و یک خبر بد برات دارم. بهمن گفت: اولین که در بهشت هم فوتیل برقرار است و از آن بهتر این که تمام دوستان و هم سپاهیان که مردمان نیز اینجا هستند. حتی مردمی ساقطان هم اینجاست. و باز هم از آن بهتر این که همه ماده ای خود را بخوبی بخواهیم. این که در باران خوب هستیم و هوا هم هشیه بهار است و از برف و باران خوبی نیست. و از همه بهتر این که می توانیم هر چقدر دلمان می خواهد فوتیل بازی کنیم و هر گز خسته نمی شویم. در حین بازی هم بیچاره ایست بمنی شویم. در حالی که این روزها می بینم فیلم های ساخت بسیار قابل احتیاج است. انتظامی که پایه ای این کار را انجام دادند و اینکه در ادامه مراسم به سختی خود را به روی سن

روسانده بود در جمله دیگری اظهار کرد: ما زیاد خوش اخلاق نیستیم و سر هم کلاه خاطرنشان کرد: در لاهه زار که کار می کردیم می گذاریم. کافی است، ۲۰ دقیقه رانده گشته بیشترین اصرار فرهادی، جایزه را اش تقدیم نمی کنم. یک روز خسرو گفت: «بهمن جان، ما هر دو عاشق فوتیل بودیم و سالهای سال باهم فوتیل بازی می کردیم. لطفاً وقتی بهمن رفتی، یک جوری به من خبر بوده که در آن جا هم می شود فوتیل بازی کرد یا نه». بهمن گفت: «خسرو جان، تو بهترین دوست زندگی من هستی. مطمئن باش اگر امکانش بود حتماً بهمن خبر می دهم. چند روز بعد بهمن از دنیا رفت. یک شب، نیمه های شب، خسرو با صدای از خواب پرید. یک شیء نورانی چشمکن را دید که نام او را صدای می زد: خسرو، خسرو.... خسرو گفت: که؟ من، بهمن. تو بهمن نیستی، بهمن مرد! باور کن من خوب هستم... تو الان کجا باید؟ بهمن گفت: اول خبرهای خوب را بخو. یک خبر بد برات دارم. خسرو گفت: اولین که در بهشت! و چند خبر خوب و یک خبر بد برات دارم. بهمن گفت: اولین که در بهشت هم فوتیل برقرار است و از آن بهتر این که تمام دوستان و هم سپاهیان که مردمان نیز اینجا هستند. حتی مردمی ساقطان هم اینجاست. و باز هم از آن بهتر این که همه ماده ای خود را بخوبی بخواهیم. این که در باران خوب هستیم و هوا هم هشیه بهار است و از برف و باران خوبی نیست. و از همه بهتر این که می توانیم هر چقدر دلمان می خواهد فوتیل بازی کنیم و هر گز خسته نمی شویم. در حین بازی هم بیچاره ایست بمنی شویم. در حالی که این روزها می بینم فیلم های ساخت بسیار قابل احتیاج است. انتظامی که پایه ای این کار را انجام دادند و اینکه در ادامه مراسم به سختی خود را به روی سن

روسانده بود در جمله دیگری اظهار کرد: ما زیاد خوش اخلاق نیستیم و سر هم کلاه خاطرنشان کرد: در لاهه زار که کار می کردیم می گذاریم. کافی است، ۲۰ دقیقه رانده گشته بیشترین اصرار فرهادی، جایزه را اش تقدیم نمی کنم. یک روز خسرو گفت: «بهمن جان، ما هر دو عاشق فوتیل بودیم و سالهای سال باهم فوتیل بازی می کردیم. لطفاً وقتی بهمن رفتی، یک جوری به من خبر بوده که در آن جا هم می شود فوتیل بازی کرد یا نه». بهمن گفت: «خسرو جان، تو بهترین دوست زندگی من هستی. مطمئن باش اگر امکانش بود حتماً بهمن خبر می دهم. چند روز بعد بهمن از دنیا رفت. یک شب، نیمه های شب، خسرو با صدای از خواب پرید. یک شیء نورانی چشمکن را دید که نام او را صدای می زد: خسرو، خسرو.... خسرو گفت: که؟ من، بهمن. تو بهمن نیستی، بهمن مرد! باور کن من خوب هستم... تو الان کجا باید؟ بهمن گفت: اول خبرهای خوب را بخو. یک خبر بد برات دارم. خسرو گفت: اولین که در بهشت! و چند خبر خوب و یک خبر بد برات دارم. بهمن گفت: اولین که در بهشت هم فوتیل برقرار است و از آن بهتر این که تمام دوستان و هم سپاهیان که مردمان نیز اینجا هستند. حتی مردمی ساقطان هم اینجاست. و باز هم از آن بهتر این که همه ماده ای خود را بخوبی بخواهیم. این که در باران خوب هستیم و هوا هم هشیه بهار است و از برف و باران خوبی نیست. و از همه بهتر این که می توانیم هر چقدر دلمان می خواهد فوتیل بازی کنیم و هر گز خسته نمی شویم. در حین بازی هم بیچاره ایست بمنی شویم. در حالی که این روزها می بینم فیلم های ساخت بسیار قابل احتیاج است. انتظامی که پایه ای این کار را انجام دادند و اینکه در ادامه مراسم به سختی خود را به روی سن

روسانده بود در جمله دیگری اظهار کرد: ما زیاد خوش اخلاق نیستیم و سر هم کلاه خاطرنشان کرد: در لاهه زار که کار می کردیم می گذاریم. کافی است، ۲۰ دقیقه رانده گشته بیشترین اصرار فرهادی، جایزه را اش تقدیم نمی کنم. یک روز خسرو گفت: «بهمن جان، ما هر دو عاشق فوتیل بودیم و سالهای سال باهم فوتیل بازی می کردیم. لطفاً وقتی بهمن رفتی، یک جوری به من خبر بوده که در آن جا هم می شود فوتیل بازی کرد یا نه». بهمن گفت: «خسرو جان، تو بهترین دوست زندگی من هستی. مطمئن باش اگر امکانش بود حتماً بهمن خبر می دهم. چند روز بعد بهمن از دنیا رفت. یک شب، نیمه های شب، خسرو با صدای از خواب پرید. یک شیء نورانی چشمکن را دید که نام او را صدای می زد: خسرو، خسرو.... خسرو گفت: که؟ من، بهمن. تو بهمن نیستی، بهمن مرد! باور کن من خوب هستم... تو الان کجا باید؟ بهمن گفت: اول خبرهای خوب را بخو. یک خبر بد برات دارم. خسرو گفت: اولین که در بهشت! و چند خبر خوب و یک خبر بد برات دارم. بهمن گفت: اولین که در بهشت هم فوتیل برقرار است و از آن بهتر این که تمام دوستان و هم سپاهیان که مردمان نیز اینجا هستند. حتی مردمی ساقطان هم اینجاست. و باز هم از آن بهتر این که همه ماده ای خود را بخوبی بخواهیم. این که در باران خوب هستیم و هوا هم هشیه بهار است و از برف و باران خوبی نیست. و از همه بهتر این که می توانیم هر چقدر دلمان می خواهد فوتیل بازی کنیم و هر گز خسته نمی شویم. در حین بازی هم بیچاره ایست بمنی شویم. در حالی که این روزها می بینم فیلم های ساخت بسیار قابل احتیاج است. انتظامی که پایه ای این کار را انجام دادند و اینکه در ادامه مراسم به سختی خود را به روی سن

امروز شما

متولدین فروردین: عالی ترین توانایی شما سرعین است که شما را قادر می سازد تا به خوبی در مقابل حوادث و اتفاقات نشان دهید. فکر نکنید که جه کار باید کنید؛ فقط آن را خود را تصاحب کنید. اگر بعداً لازم بود همیشه می توانید وقارهای نادرست خود را تصاحب کنید.

متولدین اردیبهشت: شما فعالیت های خود را محدود نمایید تا روایاها و تصویرها تان سلطه داشته باشید. این کار به معنی وقتی هر دادن و توانید کارهای خود را انجام داده باشد. این کار باید درباره امری خوب بگیرد.

متولدین خرداد: زندگی شما اکنون یک تأثیرگذار ایستاده است. خوشبختانه الان نیازی نیست که در واقعیت اطراف شما هستند حقیقت ندانارند؛ با این حال زمانی که شما را مراجعه اهداف بله مدت خود خواهید کرد. ممکن است که توانید کاملا درست و واضح بر نامه را بزی کنید.

متولدین تیر: خوشبختانه الان نیازی نیست که هیچ مسئله ای را پایین شووند. تصمیم گیری ها مهم خود را به آخر هفته موکول کنید.

متولدین مرداد: ممکن است از مر کس که حد و مزه ای احساس- تان زیر با گذارد احساس ناراضایت کنید. این دید کنید و بینید و قنیتی که صحبت از احساسات تان به میان می آید آماده جنگی می شوید.

متولدین شهریور: به نظر می رسد شما ایشان از همیشه محافظه کار شده اید. آن ترس ایکه موعد قضاؤت بگیرید یا به عقب باز نگردید. اما زمان را بینیر و تحول است!

متولدین شهر: تا آینه که ممکن است در اوایل روز مفید و موثر واقع شوید تا توانید دعازی ظهر با کسی که دوست دارید اوقات خوبی را سپری کنید.

متولدین آبان: شما اصل نگران این نیستید که مورد قضاؤت دیدگان قرار گیرید. شما قادرید به سرعت تغییر دهید کجا باید تمرکز داشته باشید و چگونه رفتار خود را برای رسیدن به هدف خاصی اصلاح کنید.

متولدین آذر: مواظب باشید؛ ممکن است وسوسه شوید کار قبلی خود را در ازای به دست آوردن کاری مهیج تراز دست داشته باشد.

متولدین دی: یک روز بی فرار کننده تقابل شما را به آرامش و سکوت افزایش می دهد اما ممکن است وقتی آن را به دست آورید زد از آن خسته شوید. به داده شده ایشان از نیاشید خلی خود را از میان بگیرد.

متولدین بهمن: امروز می توانید شما آنقدر در رویاپردازی زیاده روی کرده اید از زدن خود تان یک پیشرفت در زندگی تان را تجربه کنید. بسیار خوب است که جلو پیش بروید اما قبل از آن بشنید و درباره کارهای که قبلاً انجام داده اید به خوبی بینید شوید.

متولدین اسفند: شما آنقدر در رویاپردازی باشید که دیگر این روزها فکر می کنید دنیای واقعی اهمیت چندانی ندارد. محدود کردن نیازهای جسمی و مادی خود می تواند باعث شود تا بتوانید یک سفر درونی داشته باشید.

طنز

گردآوری از الناز بایانظری

فوتبال در بهشت

دو پیغمرد ۹۰ ساله، به نامهای بهمن و خسرو هر روز دوستان بسیار قدیمی شماره استاندارد بین المللی روزنامه طلاع (شایعه): ۸۰۰۲ - ۵۸۷۳-۸۰۰۲
 حساب چاری سپهر ۰۱۰۴۵۸۳۷۰۰۱ - پانز صادرات شعبه سه راه بهار به نام روزنامه طلاع خیابان اقبال (تاری) - نش بار اقبال - مجتمع وز - طبقه اول
 شیواز (کازرون) خ دمگاه - پایین تراز سه راه دانشسرخ - تلفن: ۰۷۲۱ - ۰۷۲۲۹۲۴۶
 چاپ و صفحه آرایی: روزنامه طلاع
 شمارگان: ۰۰۰/۰۰۰ نسخه

رسانه ای از خود

باش اگر امکانش بود حتماً بهمن خبر می دهم. چند روز بعد بهمن از دنیا رفت. یک شب، نیمه های شب، خسرو با صدای از خواب پرید. یک شیء نورانی چشمکن را دید که نام او را صدای می زد: خسرو، خسرو.... خسرو گفت: که؟ من، بهمن. تو بهمن نیستی، بهمن مرد!

رسانه ای از خود

باش اگر امکانش بود حتماً بهمن خبر می دهم. چند روز بعد بهمن از دنیا رفت. یک شب، نیمه های شب، خسرو با صدای از خواب پرید. یک شیء نورانی چشمکن را دید که نام او را صدای می زد: خسرو، خسرو.... خسرو گفت: که؟ من، بهمن. تو بهمن نیستی، بهمن مرد!

رسانه ای از خود

باش اگر امکانش بود حتماً بهمن خبر می دهم. چند روز بعد بهمن از دنیا رفت. یک شب، نیمه های شب، خسرو با صدای از خواب پرید. یک شیء نورانی چشمکن را دید که نام او را صدای می زد: خسرو، خسرو.... خسرو گفت: که؟ من، بهمن. تو بهمن نیستی، بهمن مرد!

رسانه ای از خود

باش اگر امکانش بود حتماً بهمن خبر می دهم. چند روز بعد بهمن از دنیا رفت. یک شب، نیمه های شب، خسرو با صدای از خواب پرید. یک شیء نورانی چشمکن را دید که نام او را صدای می زد: خسرو، خسرو.... خسرو گفت: که؟ من، بهمن. تو بهمن نیستی، بهمن مرد!

رسانه ای از خود

باش اگر امکانش بود حتماً بهمن خبر می دهم. چند